

سرشناسه: کاظمی، خدیجه، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور: ریشه ضرب المثل ها
مشخصات نشر: تهران : نخبگان ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۷۰-۰۴-۱
وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختصر
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۵۲۷۷



ریشه ضرب المثل ها
خدیجه کاظمی
ناشر: نخبگان

چاپ و صحافی: نخبگان
ویراستار: نرگس تشکری
طراح جلد: محمود محرابی
طراح و صفحه آرا: مریم وزیری
سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۴، اول
نظارت بر چاپ: عباس جعفری
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۷۰-۰۴-۱
قیمت: ۴۸۰۰ تومان
تلفن پخش: ۰۹۳۵۸۴۷۷۳۷۰

ضرب المثل های ایرانی

دیباچه

ادبیات فارسی دریایی آکنده از گوهرهای ناب و ارزنده است. عارفان و عاشقان ادب و هنر طی قرون و اعصار متعدد، از این دریای ژرف و عمیق، درهای گرانبها سفته اند و در اختیار همگان قرار داده اند که از آن جمله می توان به مثل های فارسی اشاره کرد.

در میان آثار ادبی هر قوم و ملتی، ضرب المثل ها یکی از مظاهر فرهنگ و تمدن و مبین شخصیت و کیفیات روحی آن قوم و ملت هستند. برخی از امثال فارسی به نظم و برخی دیگر به نثر هستند. گاهی به صورت لطیفه، سخن نغز و کلام ادبی آورده شده و گاهی در قالب طنز یا سرزنش بیان میشوند.

بعضی مثلها ریشه ی تاریخی نیز دارند و در رابطه با رویدادی اجتماعی و یا گفت و گو بین دو یا چند نفر بیان شده و سینه به سینه گشته و به امروز رسیده است.

گرچه استادان سخن و ادیبان بسیاری هر یک به نوعی به مثل ها نگریسته اند و کتابهای بسیاری در این باب نوشته اند، در این کتاب سعی بر آن بوده است تا از میان هزاران هزار مثل فارسی، تنها قصه ی معدودی را که در میان مردم رواج بیشتری دارند، بیان کنیم. امیداست از خواندن این کتاب لذت ببرید.

صراحت‌های اسرائیلی

- ۷ آب پاکی روی دست کسی ریختن
۷ آب در دست یزید افتاده است
۸ آب زیر گاه
۸ آبشان در یک جوی نمی رود
۹ آتش بیار معرکه
۱۰ آنچه را باد آورد بادش برد
۱۱ از پشت خنجر زدن
۱۲ آفتابی شد
۱۲ از این ستون تا آن ستون فرج است
۱۳ از دماغ فیل افتاده
۱۳ از کیسه ی خلیفه بخشیدن
۱۶ اشک تمساح ریختن
۱۷ اگر برای من آب ندارد، برای تو نان دارد
۱۷ کلاهش پس معرکه
۱۸ از آسمان افتاده
۲۰ شمشیر از رو بستن
۱۹ از کوره در رفت
۲۱ بزخری می کنی
۲۲ به کرسی نشاندن حرف
۲۳ باج به شغال ندادن
۲۳ بادنجان دور قاب چین
۲۳ بوی حلواش می آید
۲۴ برگ سبزی است تحفه ی درویش
۲۴ پته روی آب افتادن
۲۵ تعارف شاه عبدالعظیمی
۲۵ تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

سرسل های ایرانی

- جیم شدن ۲۷
جنگ زرگری ۲۷
چاه کن نه چاه است ۲۸
چوب توی آستین کردن ۳۱
چند مرده حلاجی ۳۱
حلاج گرگ بوده ۳۲
حاجی حاجی مکه ۳۳
حرف مفت ۳۴
حمام زنانه شد ۳۶
خر کریم را نعل زد ۳۷
خروس بی محل بودن ۳۷
خر من از گرگی دم نداشت ۳۸
در دروازه را میتوان بست اما دهان مردم را نمی توان بست ۴۲
دست از کاری شستن ۴۳
دست کسی را توی حنا گذاشتن ۴۴
دود چراغ خورده ۴۴
دو قورت و نیمش باقی است ۴۵
دنبال نخود سیاه فرستادن ۴۷
ریش و قیچی را به دست کسی سپردن ۴۸
شمشیر از رو بستن ۴۸
زیرپای کسی را جارو کردن ۴۹
کاسه ای زیر نیم کاسه ای است ۵۰
سوراخ دعا را گم کردن ۵۰
سبیلش آویزان است ۵۱
سبیلش را چرب کردن ۵۲
سد سکندر باش ۵۲

سر اسل های ایرانی

- ۵۳ سگ نازی آباد
۵۴ سرو گوش آب دادن
۵۴ سنگی را به سینه زدن
۵۵ سنگی که به هوا میرود تا برگردد هزار چرخ میخورد
۵۷ شاخ و شانه کشیدن
۵۸ شاهنامه آخرش خوش است
۵۷ شاه می بخشد شاه غلام نمی بخشد
۵۹ شتر دیدی؟ ندیدی
۶۰ صدر رحمت به کفن دزد اولی
۶۱ عاقبت گرگ زاده گرگ می شود
۶۲ گریه رقصانی
۶۲ کن فیکون شد
۶۳ کاسه ی داغتر از آش
۶۴ کینه شتری
۶۵ گرگ باران دیده
۶۶ گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده
۶۷ لنگ انداختن
۶۸ عجب سرنوشتی داشت کل علی
۶۹ ماست ها را کیسه کرد
۷۰ ماست مالی کردن
۷۱ مثل کبک سرش را زیر برف میکند
۷۲ میرزا میرزا رفتن
۷۴ نوشدارو بعد از مرگ سهراب
۷۵ هر چه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی
۷۵ یکبار جستی ای ملخ، دوبار جستی ای ملخ، بار سوم چوب است و فلک
۷۷ خط و نشان کشیدن